

حامد کرزی؛ سیاست‌باز زیرک و سیاستمدار ضعیف محمد اکرام اندیشمند

حامد کرزی که هفته آینده، قدرت سیاسی را به جانشین خود منتقل می‌سازد، یکی از نادرترین و کم نظیر ترین زمام دار سیاست‌باز، اما بردبار و متحمل، در بازی های پیچیده سیاسی افغانستان شمرده می‌شود؛ و به همان حد، یکی از ضعیف ترین سیاستمداران و حاکمان تاریخ معاصر افغانستان در مدیریت نظام سیاسی و دولتی.

کرزی در حالی زمام داری و ریاست جمهوری را پس از سیزده سال ترک می‌کند که یکی از فاسد ترین دولت های جهان را برای زمام داران و دولت پس از خود به میراث می‌گذارد.

احراز قدرت در فضای بی قدرتی:

حامد کرزی در قوس 1380 (دسمبر 2001) از ارزگان و قندهار با پرواز یک هواپیمای نظامی امریکا پس از آنکه در اجلاس بن ریاست اداره موقت تعیین شد، وارد فرودگاه بگرام گردید. کرزی هیچ محافظ مسلح از ارزگان و قندهار با خود نداشت و همچون یک آدم ساده دهاتی با پتوی (چادر) که اطراف بدنش پیچیده بود، در فرودگاه بگرام با محمدقسیم فهیم، محمدیونس قانونی و که در استقبالش صف کشیده بودند، مصافحه کرد. جانشین احمدشاه مسعود (محمدقسیم فهیم) برای حفاظت وی قطعه محافظان احمدشاه مسعود بنام قطعه کماندو را به نگهداری اش گماشت. وقتی حامد کرزی در اول جدی 1380 (22 دسمبر 2001) قدرت را از استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی تسلیم شد، در انحصار رهبران و فرماندهان جبهه مخالف طالبان قرار داشت و در همه چیز دست نگر آنها بود. جانشینان احمدشاه مسعود که پایتخت را در کنترل خود داشتند و در توهم ایجاد رابطه نزدیک با امریکایی ها به سر می بردند، حامد کرزی را در ریاست دولت که فاقد قدرت نظامی و تجربه رهبری در دولت می پنداشتند، شریک و متحد دایمی خود در حکومت می شمردند و حتا با او در صدد تشکیل حزب سیاسی مشترک بودند تا بقای خود را در قدرت تضمین کنند. اما کرزی تضعیف و راندن آنها را از انحصار نظامی و سیاسی قدرت در پایتخت مستلزم مشروعیت و مقبولیت حکومت خویش در سطح داخلی و بین المللی تلقی میکرد. گزینش کرزی بریاست حکومت مؤقت و یا رهبری دولت برای امریکایی ها و انگلیس ها و پاکستان به هویت پشتونی وی برمینگشت تا هم جامعه پشتون و هم طالبان از انتقال و تفویض رهبری دولت به پشتونها راضی و قانع شوند. اما موقعیت حامد کرزی در دوره مؤقت، او را بیشتر دست نشانده فرماندهان جبهه مخالف طالبان و نیروهای امریکایی و غربی وانمود میکرد.

از زیردستی تا زیر دستی در کرسی زمام داری:

کرزی که در واقع زمام داری خود را از حالت زیر دستی و دستنگری به جبهه متحد به خصوص جانشینان احمدشاه مسعود آغاز کرد، متدرجاً موقعیت خود را تغییر داد و

به زمام دار زبردست در کرسی اقتدار تبدیل شد. او نه تنها فرماندهان جبهه مخالف طالبان را از میدان قدرت به زیر کشید، بلکه بسیاری از رهبران تنظیم های اسلامی- جهادی را در حیطه نفوذ خود قرار داد و عملکرد آنها را مهار کرد. حامدکرزی در دوره انتقالی، اقتدار نظامی و سیاسی جبهه متحد به خصوص جانشینان احمدشاه مسعود را تضعیف کرد و در لویه جرگه قانون اساسی عنان و کنترل امور و تحولات سیاسی را بدست گرفت. او قانون اساسی را مطابق تمایل و خواست خود مبنی بر نظام ریاستی متمرکز و مقتدر، تدوین و تصویب کرد. در اولین دور ریاست جمهوری خود محمدقسیم فهیم را از معاونیت و وزارت دفاع کنار زد. اندکی بعد به عزل داکتر عبدالله از وزارت خارجه پرداخت. در حالی که استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی در دور اول ریاست جمهوری حمایت خود را از نامزدی کرزی اعلان کرد و در حالی که رئیس جمهور کرزی احمدضیاءمسعود را بجای محمدقسیم فهیم معاون اول خود برگزید، اما در این دور هیچ فرد مورد نظر آنها را وارد کابینه نساخت.

مؤفقت و مهارت دیگر رئیس جمهور کرزی در تضعیف جبهه مخالف طالبان، به خصوص تضعیف جمعیت اسلامی، جداسازی و تجزیه در درون آنها بود. در سایه این سیاست، شمالی در برابر پنجشیر قرار گرفت، اسماعیل خان از حکومت هرات برکنار شد و افراد زیادی در درون جمعیت با ادعای رهبری و گروه های متعدد بوجود آمد. بسیاری از این افراد و گروه های متشنت جمعیت اسلامی و جبهه پیشین مخالف طالبان در تحت نفوذ رئیس جمهور کرزی قرار گرفتند و در دسترسی به کرسی های دولتی دست نگر او شدند.

هرچند از میان تمام رهبران تنظیم های جهادی، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی در بیرون از حکومت کرزی و در مخالفت با او قرار گرفت، اما رئیس جمهور کرزی اکثریت قوماندانان و اعضای شورای اجرایی حزب مذکور را وارد حکومت ساخت و حزب اسلامی را جدا از رهبری حکمتیار در کابل شکل داد. رئیس جمهور کرزی در دور دوم ریاست جمهوری با مؤفقت بیشتر عمل کرد. او رهبران احزاب را در کنترل خود آورد، بدون آنکه به آنها امتیاز قابل ملاحظه دهد. وی استادبرهان الدین ربانی رهبرجمعیت اسلامی که اقتدارسیاسی او را با حمایت از دکترعبدالله به چالش کشاند پس از انتخابات در جهت استحکام پایه های قدرت خود بکارگرفت به حدی که او را در این جهت قربانی کرد. حمایت عبدالرشید دوستم و حاجی محمدمحقق را در دومین انتخابات ریاست جمهوری بدست آورد، اما پس از پیروزی در انتخابات خواستهای آنها را علی رغم تعهدات کتبی برآورده نساخت.

رئیس جمهور کرزی در صدد جذب طالبان به دولت و صلح با آنها برآمد. او در تمام دوره های متوالی حکومتش تلاش کرد تا اعتماد طالبان را جلب کند. او طالبان را پیوسته برادر می خواند و آنها را فرزندان افغانستان خطاب میکرد. اما تحریک طالبان در تمام سالهای حکومت کرزی، او را وابسته و دست نشانده امریکا می پنداشتند و به تمام خواست های وی پاسخ منفی ارائه میکردند. علی رغم آن، رئیس جمهور کرزی مؤفق شد با برخی از رهبران و فرماندهان طالبان رابطه ایجاد کند.

سیاست‌باز پیروز و سیاستمدار ناکام:

حامدکرزی در بازی‌های سیاسی و مهار افراد و گروه‌های مختلف مدعی قدرت از زوایای سیاسی، مذهبی، قومی و زبانی در افغانستان یکی از زمام‌داران موفق بود؛ اما در ایجاد دولت و حکومت موثر و پاسخگو و مدیریت سالم، با ضعف و ناکامی نمایان شد. ترویج و گسترش رشوت، تبعیض قومی، مذهبی و زبانی، بیعدالتی، نپوپتیسم (خویش‌خواری) و غارتگری در سال‌های ریاست او بر دولت بیشتر از هر دولت در تاریخ معاصر افغانستان است. دولت تحت ریاست وی مبتنی بر ارزیابی سازمان شفافیت بین‌المللی (Transparency International) در میان بیش از 174 کشور، و در کنار سومالیا و کوریای شمالی در صدر فاسدترین حکومت‌ها قرار گرفت.

عمق و گستردگی فساد در دولت تحت ریاست رئیس‌جمهور کرزی از پژوهش مشترک سازمان ملل متحد و اداره عالی مبارزه با فساد اداری افغانستان در پایان سال 2012 عیسوی (1391) آشکار می‌شود که آمار پرداخت رشوت مردم به نهادهای دولتی چهارمیلیارد دالر بود. پرداخت رشوت در این سال چهل درصد بیشتر از سال 2009 عیسوی افزایش داشت. و میزان پرداخت رشوت در سال 2009 دو برابر سال 2006 عیسوی بود. مقدار پول رشوت از یک میلیارد دالر در سال 2006 به 2,5 میلیارد دالر در سال 2010 و به چهار میلیارد دالر در سال 2012 افزایش یافت.

بازی با دموکراسی:

یکی از بازی‌های کرزی در سیاست بازی‌های او، بازی با دموکراسی بود. در حالی که کرزی ظاهراً از زمام‌داران مامور دموکراسی در افغانستان شمرده می‌شد و از نام و آدرس دموکراسی در پروسه انتخابات، بریاست جمهوری افغانستان رسید، اما در عمل، راه را بروی دموکراسی بست.

از نشانه‌های بسیار خوب دوران کرزی برای دموکراسی در افغانستان، آزادی بیان و مطبوعات و تدویر انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری بود. اما تبعات و ثمره آزادی بیان که در کشورهای دارای نظام دموکراسی، اثرگذاری عمیق و گسترده بروی سلامت و پاسخگویی اداره و مدیریت دولت است، در دولت تحت ریاست کرزی به ظهور نرسید. انتخابات که در تمام دوره‌ها و مراحلش همراه با جعل و تقلب برگزار شد و نهاد‌های برگزارکننده آن خود، در نقش جعل‌کاران و متقلبین انتخاباتی به ویژه در انتخابات اخیر ظاهر شدند.

حامدکرزی در واقع و در عمل، به دموکراسی و ارزش‌ها و روش‌های آن واقعی نگذاشت. او خود را در نقش شاه، و احزاب سیاسی، نهاد‌های مدنی و رهبران و شخصیت‌های سیاسی جامعه را در نقش خوانین و "مُشران" (بزرگان) جامعه سنتی قبیله‌ای می‌دید و با شیوه ارباب‌رعیتی، در سیاست، اداره و مدیریت کشور عمل می‌کرد. از این جهت وی به تقویت احزاب سیاسی اعتنائی نکرد و اعتقادی به آن نداشت. در سایه چنین بی‌اعتنائی و بی‌باوری، قانون انتخابات نه با سیستم تناسبی و حتی مختلط، بلکه با نظام اکثریتی، تدوین و تصویب شد تا از

نقش و تقویت احزاب سیاسی در افغانستان جلوگیری شود و جامعه، همچنان سنتی، ارباب رعیتی و قبیله ای باقی بماند. آخرین نقش کرزی در این مورد در انتخابات اخیر ریاست جمهوری و میانجیگری او با امضای توافق نامه سیاسی میان عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی نمایش یافت.